

ماندگاری و استمرار انقلاب اسلامی،

خوانشی قرآنی از کاربست مفهوم صیروت در اندیشه آیت الله خامنه ای مدظله العالی

محسن محمدی الموتی^۱

چکیده

یکی از مباحث کانونی و محوری مورد تأکید مقام معظم رهبری در بیانات مختلف ایشان، ماندگاری و استمرار انقلاب اسلامی است. اهمیت و ضرورت تبیین قرآنی این مقوله، زمانی بیش از پیش آشکار می‌شود که تعابیر و خوانش‌های متفاوت و گاه متضادی در خصوص امکان یا امتناع استمرار و ماندگاری انقلاب از سوی برخی افراد و جریان‌ها در جامعه نخبگانی کشور ارائه و تبلیغ می‌شود. مقاله حاضر به شیوه توصیفی تحلیلی مبتنی بر اندیشه قرآنی امام خامنه ای، ضمن معرفی ماهیت و مختصات نظام انقلابی، با استقرای آرای تباین و تضاد در باب نسبت میان نظام و انقلاب در قالب دیدگاه امتناع، به طرح و نقد آنها و کشف این رابطه از منظر مقام معظم رهبری و ارائه آن در قالب دیدگاه امکان پرداخت. نتایج نشان داد که بر اساس قرائت مقام معظم رهبری، نظریات امتناع (جدانگاری و پارادوکسیکالیتی انقلاب و نظام) در انقلاب اسلامی مصداق پیدا نکرده، بلکه این دو پدیده، نوعی همزیستی و تعامل با یکدیگر داشته و معنای صیروت را تحقق بخشیده‌اند. از دیدگاه ایشان انقلاب اسلامی حرکتی مستمر، بالنده و پیش‌رونده با مجموعه‌ای از آرمان‌ها و ارزش‌های والای اسلامی و انسانی است که در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و دفاعی تبلور و عینیت یافته و با پیروزی‌اش پایان نیافته و به مثابه روح در قالب و کالبد نظام سیاسی جمهوری اسلامی به حیات خود ادامه داده و تا استقرار تمدن نوین اسلامی به پیش می‌رود.

واژگان کلیدی: انقلاب، نظام، نظام انقلابی، انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، تمدن نوین اسلامی.

مقدمه

بیانیه گام دوم انقلاب، به مثابه منشوری خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان است که توجه و ابتناء به آن فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی ایران را رقم خواهد زد. یکی از مفاهیم کانونی و محوری مورد تاکید مقام معظم رهبری در این بیانیه، مفهوم نظام انقلابی است. مطابق آنچه که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر آن تصریح داشته‌اند، موفقیت‌ها و دستاوردهای چهل سال گذشته در سایه انقلابی‌گری و عمل به ارزش‌ها و اصول انقلاب حاصل شده و هر جا که دل زدگی و چالشی در این مدت در کشور ایجاد شده، به دلیل روی گردانی از ارزش‌ها و اصول انقلابی و جریان انقلابی کشور بوده است. توجه به این مهم در بیانیه مذکور از یک سو و دفاع از «نظریه نظام انقلابی» از سوی دیگر، در عین مشخص کردن آرمان‌های انقلاب اسلامی در گام دوم در مسیر تمدن سازی، نشان می‌دهد که از دیدگاه ایشان، نظریه نظام انقلابی، چراغ راه پیمودن گام دوم انقلاب اسلامی و رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. به تعبیر دیگر، محتوای بیانیه گام دوم انقلاب حاکی از آن است که جبران راه‌های طی نشده انقلاب در گام اول و فتح افق‌ها و اهداف تعیین شده در گام دوم انقلاب، تنها با عمل به نظریه نظام انقلابی مقدور و میسر است.

اهمیت و ضرورت تبیین این نظریه، زمانی بیش از پیش آشکار می‌شود که تعابیر و خوانش‌های متفاوت و گاه متضادی در خصوص امکان شکل گیری یک نظام انقلابی تمدن ساز از سوی برخی افراد و جریان‌ها در جامعه نخبگانی کشور ارائه و تبلیغ می‌شود. به طور مشخص با این ادعا که مقوله نظام مبتنی بر نظم و ثبات بوده و انقلاب مترادف خشونت و بی نظمی است اساساً نظام انقلابی را منطقاً متناقض و عملاً ترکیبی خود شکننده تلقی می‌کنند.

از این رو، فرمول بندی و تبیین مفهوم نظام انقلابی، مستلزم حل تناقض نمای جوشش انقلابی و نظم و ثبات ساختارهای سیاسی اجتماعی نظام یا به تعبیری استمرار انقلاب اسلامی است. مقاله حاضر با هدف حل تناقض نمای جوشش انقلابی و نظم سیاسی اجتماعی ساختارهای نظام به شیوه ای توصیفی تحلیلی تنظیم شده است و سعی دارد تا با بهره‌گیری از اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری و تحلیل بیانات ایشان، تصویر روشن‌تری از مفهوم نظام انقلابی مورد اشاره مقام معظم رهبری ارائه نماید.

۱. مبانی و خاستگاه قرآنی دیدگاه امام خامنه ای (مدظله العالی)

در این قسمت مبانی و اصول هستی شناختی، معرفت شناختی و انسان شناختی دیدگاه مقام معظم رهبری مد نظر قرار می‌گیرد. از آنجا که امام خامنه ای، عالم و فقیه‌ی دینی هستند، نگاه ایشان منبعث از جهان بینی توحیدی قابل تبیین خواهد بود. بر این اساس، در جهان بینی توحیدی، هستی مجموعه ای قانونمند و منظم و آفریده خدای حکیم بوده که دارای مبدا و معاد و هدفدار است. در جهان بینی توحیدی افق بشری به جهان مادی و محسوسات محدود نبوده و به عالم غیب که برتر و بالاتر از جهان محسوس است اعتقاد وجود دارد. از این دیدگاه جهان مادی، جهانی گذرا و موقت و عرصه آزمایش و امتحان است. خداوند حکیم، جهان را برای غایتی که قرب الهی باشد، آفریده است. از اینجا مفهوم معاد و آخرت و همراه آنها قیامت و حیات اخروی و حیات جاویدان پدیدار می‌شود. از این منظر آغاز و انجامی برای کائنات و عالم هستی باید متصور بود و

خالقی حکیم که آن را خلق و هدایت می کند و هیچ چیز در جهان، باطل آفریده نشده و برای هر مخلوق و حتی حادثه ای، حکمت و دلیلی وجود دارد.

مبانی معرفت شناختی، پایه دیگر مبانی هر اندیشمندی است؛ چرا که نوع نگرش اندیشمند به جهان و انسان تابع شناخت شناسی اوست. اصولاً اولین پرسش از هر اندیشمندی آن است که چگونه می توان جهان را شناخت و با چه ابزارهایی می توان به حقایق هستی پی برد؟

در نگرش رهبر معظم انقلاب، وحی، فطرت، قلب و عقل منابع شناخت به شمار می روند. در صورت اتصال ادراک و شناخت فطری و طبیعی انسان با ادراک و شناخت ماورای طبیعی یعنی وحی، شناخت انسان کامل می شود و به همه ابعاد وجود معرفت می یابد. از نظر ایشان انسان های کامل، مانند پیامبران (علیهم السلام) و امامان معصوم (علیهم السلام) مصداق بارزی از دارندگان این نوع معرفت هستند.

متاثر از هستی شناسی امام خامنه ای، انسان شناسی ایشان نیز تعریف می شود. بدین معنا، نگاه ایشان به ماهیت انسان، ابعاد وجودی و نیز دامنه ی حیات و زندگانی او به جایگاه کلی او در هستی ارتباط می یابد زیرا در این نگاه، انسان آفریده ی خداوند و دارای دو بعد ملکی و ملکوتی در نظر گرفته می شود که به دلیل برخورداری از قوه ی ناطقه و عقل می تواند بیندیشد و از سویی با توجه به برخورداری از آزادی می تواند تصمیم بگیرد و راه خویش را برگزیند. از سوی دیگر تمام هستی نیز خادم انسان برای رسیدن به کمال الهی که همان قرب الهی است تلقی می شود. است.

از این رو با توجه به مبانی هستی شناختی، معرفت شناختی و انسان شناختی مقام معظم رهبری که اجمالاً اشاره شد، به طور مشخص خاستگاه و مبانی نظری موضوع استمرار و ماندگاری انقلاب اسلامی و مفهوم نظام انقلابی در چهارچوب آموزه ها ی قرآنی در قالب مولفه های زیر قابل طرح است:

یک. تک ساحتی نبودن عالم و انسان:

بر خلاف مکاتبی که جهان و انسان را موجوداتی تک ساحتی و تک بعدی تلقی کرده و عالم و انسان را یا منحصر در بعد جسمانی و مادی تلقی نموده و یا ماسوای روح و جان مطلق را برای هیچ وجودی در نظر نمی گیرند، در مکتب اسلام و از نگاه قرآن کریم جهان به عرصه محسوسات محدود نبوده و انسان دارای دو بعد جسمانی و روحانی می باشد.

دو. غایت طلبی و هدفداری هستی و انسان

در نگاه قرآن غایت طلبی و هدفداری مقوله ایست که هم در بخش هستی شناسی و هم انسان شناسی مورد توجه قرار گرفته است. از این منظر هستی دارای مبدا و معاد بوده و انسان نیز موجودی غایت طلب و هدفدار است.

سه. تکامل پذیری و کمال طلبی انسان

از دیدگاه قرآن کریم انسان موجودی است که بالقوه می تواند به بالاترین مراتب کمال و درجات معنوی برسد. ضرورت ارسال انبیاء و رسولان الهی نیز با همین تکامل پذیری و تکامل طلبی انسان مرتبط است.

چهار. قانونمندی و نظم یافتگی جهان و انسان

جهان هستی پدیده ای منظم است که توسط ناظمی حکیم اداره می شود که از روی علم و آگاهی، اجزای این پدیده منظم را برای وصول به هدف مشخصی کنار هم قرار داده است. انسان به عنوان اشرف مخلوقات، کامل ترین تصویر از نظام هستی و تابع همان نظم و قانونمندی است.

پنج. صیورورت دائم و تحول مستمر انسان و هستی از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب

در مکتب اسلام، تحول و تغییر جزء جدایی ناپذیر و سنت لایتغیر عالم هستی و انسان است. این تحول و صیورورت دائم، ماهیتی تکاملی و در جهت حاکمیت حق دارد. انسان و هستی در صیورورت دائم و تطور و تحول مستمر از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب است. این انقلاب دائم از ابتدای خلقت آدم تا کنون ادامه داشته و قدم اول اصلاح و انقلاب را درون افراد می بیند. سرشت انسانی نه یکسره شر است و نه خیر بلکه، انسان موجودی در میان خیر مطلق و شر مطلق شناخته می شود که با توجه به نوع تربیت خود در مسیر سعادت یا شقاوت قرار می گیرد. بر این اساس تمام تحولات اجتماعی و سیاسی از جمله انقلابها تابع این نظم و اراده کلی حاکم بر نظام هستی است.

۲. بنیان های نظری مفهوم نظام انقلابی

نظام انقلابی در یک نگاه راهبردی « الگویی از نظام حکم رانی مبتنی بر نهادینه سازی اندیشه، روحیه و عمل انقلابی در ساختارهای آن، به منظور فعالسازی و به کارگیری ظرفیت های موجود در اجزاء نظام در جهت تحقق اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی » تعریف می شود.

از این رو، نظریه نظام انقلابی، «نظریه ای معطوف به حفظ سیرت و ساخت حقیقی انقلاب اسلامی و تداوم نگاه و کنش های انقلابی در عین پابندی به ساختارهای حاکم است که به منظور رفع موانع و شکوفایی حداکثری ظرفیت ها و امکانات نظام در راستای ساخت تمدن نوین اسلامی» نظریه پردازی شده است. در واقع، این نظریه باید راه گشای نهادینه سازی اندیشه، روحیه و عمل انقلابی در چهارچوب ساختارهای نظام سیاسی کشور تلقی گردد و بر مبنای مبانی، الزامات و نیازهای انقلاب اسلامی، راه حل های عملی برای تداوم انقلاب اسلامی و حفظ سیرت و صورت آن در شرایط متحول محیطی ارائه دهد (محمدی الموتی، ۱۳۹۹: ۶۳). در الگوی برآمده از این نظریه، خصوصیات و ویژگی های انقلاب اسلامی به ویژه اندیشه، روحیه و عمل انقلابی باید در بخش های کارگزاری و ساختارهای نظام منعکس و نهادینه شود.

مبانی نظریه نظام انقلابی برگرفته از مکتب اسلام شیعی و آموزه های انقلاب اسلامی است و مبتنی بر بنیان هایی شکل گرفته که متمایز از نگاه های نظری برگرفته از رسوخ مبانی و نظریه های غربی و شرقی در ذهن نخبگان و روشنفکران جامعه است؛ نگاه هایی که یا با الهام از تفکرات مارکسیستی، وجوه مادی و اقتصادی انقلاب ها را برجسته نموده و استمرار انقلاب را با ملاک اقتصاد و تضاد طبقاتی، سنجش و تحلیل می کنند (آشوری، ۱۳۸۷: ۴۹) و یا متأثر از مکتب لیبرالیسم، با دید منفی به انقلاب ها نگریسته و آنها را مقولاتی ساختارشکنانه، بی ثبات کننده و مملو از شور و احساسات دانسته که باعث خرابی و ویرانی نظام سیاسی گشته و بایستی به دنبال ریشه کن کردن آنها بود (بریتون، ۱۳۶۱: ۲۰-۱۷).

از این رو، عناصر کلیدی در فهم نظریه نظام انقلابی مقولات ماهیت انقلاب اسلامی، استمرار آن و به ویژه حل تناقض نمای احساسات و جوشش انقلابی در عین حفظ نظم و ثبات سیاسی اجتماعی ساختارهای نظام سیاسی کشور است. بر این اساس، در مفهوم نظام انقلابی تمدن ساز اولاً منظور از انقلاب اسلامی مقوله‌ای است که در امتداد بعثت انبیاء، از لایه درون انسان‌ها آغاز شده و همچون پدیده‌ای زنده و با اراده با فطرت بشر در همه عصرها سرشته شده است. انقلاب اسلامی حرکتی مستمر و پیش رونده با مجموعه‌ای از ارزش‌ها، آرمان‌ها مانند تمدن نوین اسلامی، نفی استعمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرت‌های مسلط دنیا در کشور، کرامت انسان، حفظ ارزش‌ها، عدالت و تفکرات اسلامی است که در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی تبلور و عینیت یافته است. در این نگاه، انقلاب با پیروزی‌اش پایان نیافته، به مثابه روح در قالب و کالبد نظام سیاسی «جمهوری اسلامی» به حیات خود ادامه داده و تا ساخت تمدن نوین اسلامی به پیش می‌رود.

در ثانی در این نظریه، استمرار انقلاب به معنای حفظ خط مستقیم و جهت‌گیری دینی انقلاب (بیانات، ۱۳۸۳/۱۱/۱۹) مدنظر است که ضمن پایبندی به ساختارها، بدون خیانت به آرمان‌هایش حرکت نماید و در برابر همه وسوسه‌هایی که پیش می‌آیند، از کرامت و اصالت شعارهایش صیانت نماید و در گام دوم حرکت خود وارد مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی گردد (بیانات، ۱۳۹۷/۱۱/۲۴).

از این منظر، نظریه نظام انقلابی، برای انقلاب، علاوه بر حیات در زمان حال، ریشه‌داری در گذشته و پیش‌روندگی به سمت مقاصد و منازل پیش‌رو را متصور می‌شود؛ که می‌توان در قالب دو علت اساسی ملاحظه نمود:

الف) عواملی که نقش پیش‌برندگی را برای انقلاب دارند که از آنها می‌توان به علت فاعلی تعبیر کرد؛ عواملی چون اندیشه پویا و تعالی‌خواه، تاریخ درخشان، خودآگاهی و هویت ملی مثبت، توان مادی و معنوی بالا و انگیزه‌های قوی؛

ب) عواملی چون اهداف و آرمان‌های بلندمدت؛ که نقش پیش‌کشندگی را برای انقلاب دارند که از آنها به علت غایی تعبیر می‌شود. اینکه امام خمینی (ره) می‌فرماید: انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت است و مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم از زمینه‌سازی برای طلوع خورشید ولایت سخن به میان می‌آورد، تنها بیان یک آرزوی دوردست نیست؛ بلکه مطابق وعده‌های الهی و فلسفه الهی تاریخ، این پیوستگی، یک روند قابل پیش‌بینی و آینده‌شناسانه است (مظاهری، ۱۳۹۷: ۵۲-۵۱).

بنابراین در تبیین مقوله استمرار انقلاب اسلامی و حل پارادکس نمای بروز احساسات و جوشش انقلابی در عین حفظ و پایبندی نظم و ثبات سیاسی اجتماعی ساختارهای حاکم بر کشور به عنوان یکی از مختصات مهم مفهوم نظام انقلابی تمدن ساز، می‌توان دو عامل اساسی را به‌عنوان بنیان‌های نظری این تئوری لحاظ نمود. باور به «صیورت انقلاب» و «موعودگرایی» دو رکن بنیادین شکل‌دهی نظام انقلابی و حرکت آن به سمت آرمان‌های تعریف شده است. صیورت به معنای تحول از حالتی به حالت دیگر مدنظر است که از نظر رتبه طولی بالاتر از اولی است. بدین جهت است که چون سیر تکاملی و تحولات زندگی انسان در نهایت به خداوند متعال منتهی می‌گردد، گفته می‌شود که بازگشت یا مصیر انسان به سوی خدا خواهد بود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷۸).

بدین معنا صیوروت به معنای شدن و گردیدن است که با سیر و حرکت به جاییکه ارزش استقرار داشته باشد ارتباط دارد (و) ان الاخره هی دارالقرار). حرکت را حکما خروج شیئی از قوه به فعلیت می دانند. هر وجودی قوه و استعداد دارد که به مراحل شکوفا شدن استعدادهای آن حرکت می گویند. اگر موجوی از قوه به فعل تبدیل شد، از نقص به سوی کمال حرکت می کند. و هرچه قوای یک وجود بهتر به فعلیت برسد بهتر به کمال خود دست یافته است. از عوامل موثر در حرکت علت فاعلی و علت غایی است که اولی ایجاد حرکت می کند و دیگری هدف از حرکت را مشخص می کند. در واقع محرک که علت فاعلی است در حرکت غایتی را در نظر دارد که این شیئی متحرک را برای نیل به آن مقصد به حرکت وا می دارد. هرچه علت فاعلی حرکت حکیم تر داناتر و برتر باشد غایتی که برای حرکت در نظر می گیرد بالاتر و بهتر خواهد بود. در ادبیات قرآنی سرانجام آن به سوی خداست. ولله ملک السماوات و الارض و الی الله المصیر. هرچه در عالم ماده و مافوق ماده است همه در ید قدرت پروردگار است و همه در حال گردیدن و شدن به سوی خدایند (سوره نور، ۴۲).

بر اساس این آیه شریفه هرچه در این عالم است حرکتی می کنند که یک شدنی به همراه دارد. در نظام تکوین و هستی عالم، این صیوروت همیشه از پایین به بالاست اما در نظام تشریع اراده و اختیار انسان در نحوه سیر و حرکت در صیوروت دخالت می کند. به گونه ای که اگر مطابق امر خدا باشد این صیوروت الهی بوده و با تبدیل شدن در نظام طولی به مراحل بالاتر، همنشینی با اولیای الهی را موجب خواهد شد (نعم المصیر) و در غیر این صورت این سیر نزولی شده و به جای همنشینی با اولیای الهی همنشینی با اولیای شیطان نصیب خواهد شد (بئس المصیر).

مقام معظم رهبری نیز مفهوم «صیوروت» را درباره حرکت انقلاب اسلامی به کار برده و می فرماید: انقلاب در آغاز، آرمانها را ترسیم می کند، این آرمانها همان رسیدن به حیات طیبه ای است که مورد اشاره قرآن و روایات قرار گرفته است؛ حرکت به سمت حیات طیبه تمام نشدنی است و این همان صیوروت به سمت خداست. جامعه مطلوب اسلامی آن است که این صیوروت در آن وجود داشته باشد و به سمت خدا در حرکت باشد؛ **انقلاب را اینگونه باید دید** (بیانات، ۹۴/۶/۲۵، ۱۳۹۱/۷/۲۰).

از سوی دیگر، باور به موعود در شکل گیری مبانی فکری و ایدئولوژیکی انقلاب، تأثیرات غیرقابل انکاری داشته است؛ آنگونه که باورهای چون ظلم ستیزی، عدم مشروعیت حاکمان سیاسی، نصب عام فقیهان، امید به اصلاح و تعالی جامعه و زمینه سازی برای ظهور حضرت حجت (عج)، برخاسته از موعودگرایی و محور هدایت و رهبری انقلاب اسلامی بوده و این باورها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نقش فراوانی در پیروزی و تداوم حرکت انقلاب داشته اند.

موعودگرایی سبب ایجاد فرهنگی پویا، تکامل خواه و رو به رشدی خواهد بود که به سبب آن، افراد جامعه، قبل از طلوع خورشید ولایت و مهدویت که غایت حرکت در تفکر شیعی است، به وضع موجود راضی نبوده و هیچ ترازوی از نظام و ساختارهای اجتماعی حاصل شده برای آنها مطلوبیت نخواهد داشت تا آنکه فرجام خوش تاریخ در جامعه مهدویت رقم زده شود. لذا می توان پیوند وثیقی میان انقلاب اسلامی و مفهوم موعود متصور شد.

۳. دیدگاه های امکان و امتناع نظام انقلابی تمدن ساز

فرمول بندی و تبیین مفهوم نظام انقلابی، مستلزم پرداختن به تناقض نمای جوشش انقلابی و نظم سیاسی اجتماعی ساختارهای نظام سیاسی کشور در قالب بررسی رابطه و نسبت دو واژه بنیادی تشکیل دهنده این اصطلاح یعنی «نظام» و «انقلاب اسلامی» است.

از این رو با توجه به نوع نگاه و برداشت های متفاوتی که در فضای نخبگانی جامعه، متأثر از نظریه های متعارف در جامعه-شناسی و علوم سیاسی از مفهوم انقلاب اسلامی و باور به استمرار یا عدم استمرار آن وجود دارد، امتناع یا امکان نظام انقلابی قابل تبیین خواهد بود.

۳-۱. امتناع نظام انقلابی: از جدا انگاری تا تقابل مفاهیم نظام و انقلاب

در قالب دیدگاه امتناع نظام انقلابی، یکی از انواع نسبت هایی که از نگاه برخی افراد و جریان های سیاسی موجود در کشور میان دو مفهوم «نظام» و «انقلاب» قابل برداشت است، نسبت تباین یا جدا انگاری می باشد. از این منظر باید تفکیکی میان انقلاب اسلامی به معنای آرمان های بلند و جهانی آن و جمهوری اسلامی به مفهوم نظام سیاسی دولت - ملت قائل شد. این دیدگاه انقلاب اسلامی را به عنوان یک حادثه و واقعه در نظر می گیرد و معتقد است با فرا رسیدن ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و سقوط رژیم پهلوی، انقلاب اسلامی به پایان رسید و در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ نظام جمهوری اسلامی ایران استقرار یافت. بر این اساس، انقلاب اسلامی پایان روندی است که به تأسیس جمهوری اسلامی منتهی شده است. این دیدگاه متأثر از نگاهی است که انقلاب ها را پدیده های زودگذر در تاریخ جوامع بشری می داند که برای سرنگونی یک نظام سیاسی شکل می گیرند و زمانی که نظام سیاسی جدید استقرار یافت، مأموریت انقلاب پایان یافته و انقلاب تبدیل به نظام می گردد (محمدی، ۱۳۸۲: ۲۴۳).

از این دیدگاه، انقلاب اسلامی به پایان رسیده و یک نظام تأسیس شده است و لازم است مانند یک نظام سیاسی متعارف و نه انقلابی، عمل کند. به طور کلی قائلین به این دیدگاه معتقدند، انقلاب اسلامی، تاریخی دارد که با وقوع تغییرات جهانی به سر آمده و اکنون باید تلاش ها معطوف به ساختن جمهوری اسلامی به مثابه الگویی برای سایر کشورهای منطقه باشد؛ لذا اگر برخی اصول انقلاب با روندهای حاکم بر دنیا متعارض باشد، اقتضای روزآمد بودن این است که از آن اصول به نفع الگوسازی صرف نظر شود (سریع القلم، ۱۳۸۴: ۳۳۶).

یکی دیگر از انواع نسبت هایی که در قالب دیدگاه امتناع نظام انقلابی میان دو مفهوم «نظام» و «انقلاب» مطرح می شود، نسبت تضاد یا تقابل است. قائلین به این دیدگاه عمدتاً به دلیل هم معنا گرفتن واژه انقلاب با خشونت و بی نظمی که در ادبیات علوم سیاسی مرسوم بوده و باعث حمل بار معنایی منفی بر آن شده است، معتقدند که اصل بر نظم و ثبات است و انقلاب در واقع استثنایی بین دو نظم است که با فروپاشی نظم پیشین و استقرار نظم جدید پایان می یابد. از این رو نظم جدید، حداکثر حاصل انقلاب است اما نمی تواند انقلابی باشد و نظام انقلابی منطقاً متناقض و عملاً ترکیبی خود شکننده است (فیرحی، ۱۳۹۶/۱۱/۲۸).

از دیگر سو، نظام‌های انقلابی به دلایلی آرمان‌ها را تا منتهی‌الیه ممکن توسعه می‌دهند و به همین دلیل انتظارات فراوانی تولید می‌کنند؛ اما نظام برآمده از انقلاب که اغلب وضعیت استثنایی دارد، به دلایل بسیاری توان تحمل و تأمین این آرمان‌ها را نداشته و منجر به ایجاد گسل آرمان - واقعیت می‌گردد. (فیرحی، www.lon.ir).

در این دیدگاه، انقلاب مبتنی بر خشونت، بی‌نظمی، ساختارشکنی و شور و احساس تلقی می‌شود ولی نظام، عقلانیت می‌طلبد. دخالت دادن اقتضائات انقلاب در مسائل نظام، باعث بی‌نظمی و مختل کردن جمهوری اسلامی می‌شود که متولی حل مسائل زندگی مردم شده است (زائری، www.nemehnews.ir).

از این منظر، انقلاب و انقلابی‌گری محصول تب تند جامعه و به منزله جراحی بود که اتفاق افتاد و بنابراین بلافاصله بعد از پیروزی، می‌بایست به وضعیت عادی (نرمال) بازگشت، نه اینکه به مدت چهار دهه کشور را در همان وضعیت انقلابی نگاه داشت. اگر وضعیت انقلابی که وضعیتی قهرآمیز است، تداوم یابد، انقلاب را به ضد خود تبدیل می‌کند و این مطلب، «پارادوکسیکالیتی انقلاب» نام دارد. ماندن در انقلاب، مستلزم تخریب آرمانی است که انقلاب با آن هدف تدارک دیده شده بود و عبور از وضعیت انقلابی شرط بقای شکوه انقلاب است.

۳-۲. امکان نظام انقلابی: همزیستی و معیت مفاهیم نظام و انقلاب

در این دیدگاه انقلاب اسلامی و نظام هیچ‌گاه از یکدیگر جدا نبوده و رهبران انقلاب، رسالت خود را با تشکیل نظام جمهوری اسلامی، پایان یافته تلقی نکرده‌اند. بر اساس این قرائت، نظریه جایگزینی نظام به جای انقلاب در انقلاب اسلامی مصداق پیدا نکرده، بلکه این دو پدیده، نوعی همزیستی و تعامل با یکدیگر داشته و معنای صیوروت را تحقق بخشیده‌اند. جمهوری اسلامی، نظامی سیاسی است که اداره کشور را به عهده دارد و در عین حال، رهبران انقلاب تلاش دارند شرایط انقلابی را به موازات شکل‌گیری نظام، همچنان حفظ نمایند. تدوین کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به این نکته مهم و اساسی توجه داشته و در مقدمه و بسیاری از اصول آن به رسالت جهانی انقلاب پرداخته‌اند (محمدی، ۱۳۸۲: ۲۵۱).

این دیدگاه اشاره به نوعی رابطه معیت همانند رابطه روح و جسم دارد. از نظر رهبر معظم انقلاب، نظام جمهوری اسلامی دارای یک ساخت حقوقی و در حکم جسم نظام است و دارای یک ساخت حقیقی، در حکم روح، معنا و مضمون آن است. در این میان آنچه اهمیت دارد، ساخت حقیقی و درونی است که همان آرمان‌های جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی است که اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای بر آن مترتب خواهد بود، نه دوامی خواهد داشت.

مقام معظم رهبری انقلاب را امری مستمر، ماندگار و حقیقتی دائمی معرفی می‌نماید، نه امری دفعی و زائل‌شونده؛ لذا صیوروت، معنایی است که از فهم نسبت میان نظام و انقلاب به دست می‌آید. از منظر ایشان انقلاب امری تکامل‌خواه و تکامل‌پذیر است و برای رسیدن به سعادت نهایی، منزل‌هایی چون نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت، تمدن نوین اسلامی را در پیش خواهد داشت. رسیدن به هر منزل یک توفیق است اما این منزل ایستگاه نهایی نبوده، بلکه محلی برای تأمین قوای حرکت به سوی منازل دیگر خواهد بود. لذا انقلاب اسلامی از ابتدایی‌ترین مرحله تا مرحله پایانی، ساری و جاری خواهد بود (بیانات، ۱۳۸۰/۹/۲۱).

بنابراین از دیدگاه مقام معظم رهبری، رابطه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به مثابه رابطه روح و جسم است و تا زمانی که انقلاب اسلامی مانند روح در کالبد نظام جاری باشد، جمهوری اسلامی حیات دارد. اما هویت‌زدایی و تهی شدن نظام از روح انقلابی، زوال و نابودی آن را رقم خواهد زد. به عبارت دیگر، در مفهوم نظام انقلابی، انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن، محتوا و ساختارهای نظام، قالب آن را شکل می‌دهند. محتوای نظام که اسلامیت، قانون الهی و آرمان‌های انقلاب اسلامی است، در یک قالب جمهوری و مردم‌سالاری پیاده شده و امروز در قانون اساسی با تأکید بر شیوه ریاستی صورت‌بندی شده است. البته باید توجه داشت، ویژگی‌های صیوررتی ناشی از انقلابی بودن نظام، اقتضا دارد به هنگام ضرورت، ساختارسازی و شکل‌دهی به جمهوریت نظام، متناسب با تغییر شرایط زمانی و مکانی تحول یابد و با بازخوانی قالب و شکل، نواقص آن برطرف گردد؛ البته همین تغییر هم باید متکی بر اصول باشد، همین نگاه دوباره و نوسازی و بازسازی هم بایستی ناظر به اصول باشد، برگرفته و برخاسته از اصل اسلامی باشد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

۳-۳. تجزیه و تحلیل: امتناع یا امکان نظام انقلابی تمدن ساز

در نظام ارزشی و گفتمانی رهبر معظم انقلاب مبتنی بر نگاه صیوررتی، ایجاد نظام انقلابی تمدن ساز امکان پذیر است. در واقع، از نگاه مقام معظم رهبری، از آنجا که موفقیت‌های چهل ساله انقلاب اسلامی، در سایه تبلور اندیشه، روحیه و عمل انقلابی با شاخصه‌هایی نظیر اسلام‌محوری، نفی و طرد هرگونه التقاط، نفی و مبارزه با اسلام آمریکایی، طرد سکولاریسم و تحجر، اعتقاد راسخانه به نقش مردم، حسن ظن و اعتماد به وعده‌های الهی، نفی استکبار و مبارزه با آن، نفی سلطه‌پذیری و تأکید بر حفظ استقلال کشور، تأکید بر پیشرفت هویت‌محورانه، تأکید بر وحدت در ابعاد داخلی و در میان امت اسلامی، آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، دقت در حفظ مصلحت‌ها، شجاعت، اقدام و عمل، ابتکارورزی، بن‌بست‌شکنی، امیدواری نسبت به آینده، کار با نیت الهی، اعتماد به کمک الهی، کار مبتنی بر علم و درایت، پُرکاری، خودباوری و اعتماد به نفس و ... ۱۰ حاصل شده است، پس در گام دوم انقلاب اسلامی باید تلاش شود تا این شاخصه‌ها و تجربیات ناشی از کاربست آنها در گام اول انقلاب، به مثابه یک نظریه، مبنای عمل در تحقق گام دوم انقلاب اسلامی و ساخت تمدن نوین اسلامی باشد. بنابراین، منظور از نظریه نظام انقلابی، تلاش نظری و عملی برای مبنا قرار دادن تجربیات و اندوخته‌هایی است که در گام اول انقلاب با محوریت نگاه و عمل انقلابی حاصل شده است. بر این اساس، وجه دیگر این نظریه، بسط و تعمیم منطق موفقیت‌آفرینی این تجربیات به حوزه‌هایی است که به دلیل فقدان رویکرد و عمل انقلابی در آنها موفقیت کامل حاصل نشده است.

در این نگاه انقلاب اسلامی حرکتی تدریجی و مستمر تعریف می‌شود و اصلاح، پیشرفت و حرکت دائم برای نیل به تعالی و تکامل، ذاتی انقلاب تلقی می‌شود. در نظر امام خامنه‌ای، انقلاب اسلامی پدیده‌ای لایه لایه و پیچیده است که فهم کامل ابعاد آن مستلزم ورق زدن و مطالعه لایه‌های مختلف آن است. انقلاب اسلامی، یک حرف و یک حرکت دفعی نیست؛ حرکتی مستمر است که اقتضائاتش در زمان‌های مختلف، متفاوت است (بیانات، ۱۳۸۱/۰۶/۲۴). گستره انقلاب اسلامی تمام ارکان و ساختارهای جامعه را دربر می‌گیرد. باید تحول هدفمندی در افراد و زیرساخت‌ها صورت گیرد تا بتوانیم بگوییم انقلاب رخ داده است؛ بعلاوه این تحول باید در سراسر دنیای اسلام گسترش یابد. (سیاهپوش و ملکوتیان، ۱۳۹۶: ۱۶).

۱. شاخص‌های مذکور از بیانات مقام معظم رهبری درباره شاخص‌های خط امام (ره)، اخذ شده است.

مقام معظم رهبری بر این باور است، یک مرحله انقلاب که تغییر نظام سیاسی است، دفعی است؛ اما انقلاب بایستی در طول زمان تحقق پیدا کند؛ تحقق بدین معنا که در بخش‌های عقب‌مانده و تحول نیافته، تحول راه یابد و همه روزه راه‌ها، کارها، فکرها و روش‌های جدید، در چهارچوب و بر پایه ارزش‌های تعریف‌شده در جامعه تحقق یابد و پیش برود. «برگشت، غلط است؛ عقب‌گرد، خسارت است؛ اما ایستادن هم غلط است؛ باید حرکت کرد و به جلو رفت» (بیانات، ۱۳۷۹/۲/۲۳).

از طرف دیگر ایشان انقلاب را متفاوت از بی‌هنجاری و اغتشاش مداوم دانسته و معتقد است حرکت مستمر و رو به تکامل انقلاب محتاج نظم و ثبات است؛ نه ثبات به معنای رکود، بلکه ثباتی که به معنای پذیرش قواعد مشترک برای حرکت رو به جلو باشد. (بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۴). چنین ثباتی ملازم تحول است و تحول هم لازمه تکامل و تعالی است (بیانات، ۱۳۸۵/۸/۱۸). در نظر مقام معظم رهبری، از آنجایی که نقطه مقابل تحول، رکود است نه ثبات، تحول را نباید انکار کرد و به مقابله با آن برخاست، بلکه باید آن را به سمت صحیح هدایت نمود. (سیاهپوش و ملکوتیان، ۱۳۹۶: ۲۰).

نقطه تمایز دیدگاه امکان‌پذیری نظام انقلابی با دو طیف مورد اشاره در دیدگاه تباین و تضاد، این است که نظریه نظام انقلابی، ضمن اینکه آنارشیزم ناشی از عبور از ساختارهای نظام، به بهانه تحقق شعارهای انقلابی را نمی‌پذیرد بلکه محافظه‌کاری و تسلیم صرف ساختارها شدن را نیز به رسمیت نمی‌شناسد؛ و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی - اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند. در نظام انقلابی می‌توان در عین پایبند بودن به ساختار، انقلابی ماند و برای بهبود ساختار، تلاش شبانه‌روزی کرد. مقام معظم رهبری در نفی دیدگاهی که معتقد است می‌توان به منظور برپایی کامل آرمان‌ها و شعارهای انقلاب حتی از ساختارهای نظام عبور کرد و معطل نماند می‌فرماید: «انقلابی‌گری هم فقط در بستر نظام امکان‌پذیر است؛ این جور نباشد که بعضی نظام را نفی کنند به عنوانی که ما انقلابی هستیم. ارزش‌های نظام، ارکان نظام، بنیان‌های نظام را زیر سؤال ببرند به عنوانی که ما انقلابی هستیم. انقلابی‌گری به معنای ویرانگری نیست. انقلابی‌گری یک مشی صحیح، عاقلانه، پرانگیزه و پرامید و شجاعانه به سمت اهداف والاست. این تعریف معنای انقلابی‌گری است و این فقط در بستر و مسیر نظام اسلامی یعنی نظام موجود امکان‌پذیر نیست. انقلابی‌گری، ساختارشکنی نیست؛ تخریب نظام ناشی از انقلاب نیست» (بیانات، ۹۷/۳/۷).

در واقع در یک نظام انقلابی، افراط و تفریط معنا ندارد. فرد انقلابی، قانون‌مدار، اهل مدارا و مهربان، هنجارمند، پایبند به اصول و مبانی، معقول، همراه مردم، با بصیرت، اهل گفتگو، مقید به نظم فردی و اجتماعی است و حرکت انقلابی را در چهارچوب منطق و عقلانیت و ساختار برآمده از انقلاب اسلامی دنبال می‌کند و از هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف استفاده نمی‌کند. ضمن اینکه باید توجه داشت جریان‌های اپوزوسیون از طریق رسانه‌های در اختیار خود با استفاده از تکنیک برجسب‌زنی تلاش می‌کنند تا با سوءاستفاده از برخی وقایع و حوادث، جریان انقلابی را به تندروی متهم و بدین طریق آنها را تضعیف نمایند. البته در مقابل، رهبر معظم انقلاب با حمایت از انقلابیون، تندروی در مسیر حق را امری مطلوب دانسته و با استناد به آیه «السابقون السابقون، اولئک المقربون» (واقع، ۱۰). معتقدند در این راه برخی کندتر و برخی تندتر هستند (بیانات، ۹۴/۱۲/۵). ایشان در عین تأکید بر این موضوع که تفکر رادیکال جایگاهی در انقلابی‌گری ندارد، مسئولان و سیاسیون را به پرهیز از تکرار ادبیات سیاسی دشمن به ویژه استفاده از تعبیر تندرو توصیه کردند و فرمودند کسانی که در بیرون مرزها تعبیر تندرو را به کار می‌برند، مقصودشان جریان وفادار به انقلاب و حزب الهی‌ها هستند. بنابراین در داخل باید

مراقب شود که با تکرار این تعابیر، هدف دشمن تأمین نشود (بیانات، ۱۳۹۴/۱۲/۵). از سوی دیگر، ایشان در نفی دیدگاهی که روحیه انقلابی را تنها مربوط به زمان پیروزی انقلاب می‌دانند نه دوران استقرار آن می‌فرمایند:

«در مجموعه انقلاب از اول انقلاب یک فکر غلطی وجود داشت و آن این بود که انقلاب تا وقت تشکیل نظام است، وقتی که نظام تشکیل شد و نهادهای و مقررات و دیوان‌سالاری و مانند اینها مستقر شد دیگر انقلاب برود دنبال کارش، دیگر کاری با انقلاب نداریم؛ انقلاب را هم معنا می‌کنند به تنش و دعوا و سر و صدا و کارهای غیرقانونی و از این حرف‌ها». (بیانات، ۹۷/۳/۷)

از سوی دیگر، قائلین به نسبت تضاد، تنها بر اساس تعبیرشان از انقلاب به تنش و دعوا و سر و صدا و کارهای غیرقانونی، به این نظر روی آورده‌اند، در حالی که در مفهوم نظام انقلابی تمدن ساز، انقلاب مترادف با سازندگی، رویش و بالندگی در جامعه است که بدون انضباط، نظم و قانون، رسیدن به اهداف آن ممکن نیست و وجود بی‌نظمی‌های اوایل انقلاب، ناشی از به هم ریختن بناهای غلط و پوسیده‌ای بود که باید متلاشی می‌شد تا بتوان بنایی نو برپا نمود؛ لذا برخلاف تصور عده‌ای که انقلاب را مترادف با آشفته‌گی و سردرگمی می‌دانند، انضباط انقلابی، برترین و قوی‌ترین انضباط‌هاست (بیانات، ۸۳/۴/۱).

تصور یادشده از معنای انقلاب، سبب شده تا برخی، ادامه وضعیت انقلابی را علت بسیاری از مشکلات دانسته و عبور از آن وضعیت را از طریق پیوند زدن شاخه اصلاح به تنه درخت انقلاب، توصیه نمایند. گرچه توصیه به اصلاح در صورتی که در چارچوب قانون اساسی باشد تعارضی با نگاه رهبر معظم انقلاب ندارد و ایشان انقلاب را بزرگترین اصلاح معرفی نموده و تداوم اصلاحات را در ذات و نهاد انقلاب نهفته می‌دانند؛ (بیانات ۱۳۸۵/۳/۲۹) مقام معظم رهبری معتقدند، یک ملت انقلابی، هوشیار و شجاع، همواره به دنبال کشف و اصلاح فسادهای برآمده از غفلت‌ها، سوءمدیریت‌ها، سوءتدبیرها و تجاوزهاست (بیانات، ۷۹/۱/۲۶). از این رو، مبتنی بر نظریه نظام انقلابی، انقلابی‌گری در درون خود نوعی اصلاح‌طلبی معقول و منطقی را به همراه دارد و در حرکت تحولی خود، جامعه و رفتار آن را به سمت اصلاح پیش برده و همواره در مسیر خود آن را نصب‌العین قرار می‌دهد (معاونت سیاسی، ۱۳۹۶: ۱۵).

نتیجه‌گیری

نظریه نظام انقلابی، «نظریه‌ای معطوف به حفظ سیرت و ساخت حقیقی انقلاب اسلامی و تداوم نگاه و کنش‌های انقلابی در عین پابندی به ساختارهای حاکم است که به منظور رفع موانع و شکوفایی حداکثری ظرفیت‌ها و امکانات نظام در راستای ساخت تمدن نوین اسلامی» نظریه پردازی شده است. فرمول بندی و تبیین نظریه نظام انقلابی مستلزم پرداختن به تناقض‌های جوشش انقلابی و نظم سیاسی اجتماعی ساختارهای نظام سیاسی کشور در قالب بررسی رابطه و نسبت دو مفهوم بنیادی تشکیل‌دهنده این نظریه یعنی «نظام» و «انقلاب اسلامی» است.

مقاله حاضر ضمن معرفی ماهیت و مختصات نظریه نظام انقلابی، با استقرای آرای تباین و تضاد در باب نسبت میان نظام و انقلاب در قالب دیدگاه امتناع، به طرح و نقد آنها و کشف این رابطه از منظر مقام معظم رهبری و ارائه آن در قالب دیدگاه امکان پرداخت. بر اساس این قرائت نظریات امتناع (جدانگاری و پارادوکسیکالیتی انقلاب و نظام) در انقلاب اسلامی مصداق پیدا نکرده، بلکه این دو پدیده، نوعی همزیستی و تعامل با یکدیگر داشته و معنای صیورورت را تحقق بخشیده‌اند. این نسبت در نظریه نظام انقلابی اشاره به نوعی رابطه معیت همانند رابطه روح و جسم دارد. از نظر رهبر معظم انقلاب، نظام جمهوری

اسلامی دارای یک ساخت حقوقی و در حکم جسم نظام است و دارای یک ساخت حقیقی، در حکم روح، معنا و مضمون آن است. از دیدگاه ایشان انقلاب اسلامی حرکتی مستمر، بالنده و پیش‌رونده با مجموعه‌ای از آرمان‌ها و ارزش‌های والای اسلامی و انسانی است که در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و دفاعی تبلور و عینیت یافته و با پیروزی‌اش پایان نیافته و به مثابه روح در قالب و کالبد نظام سیاسی جمهوری اسلامی به حیات خود ادامه داده و تا استقرار تمدن نوین اسلامی به پیش می‌رود.

مقام معظم رهبری، انقلاب را محدود به تغییر رژیم و تعویض حکام و منحصر به لحظه وقوع در زمانی خاص در گذشته ندانسته و آن را به حال و آینده تسری می‌دهند. این تسری بخشی، به دلیل ماهیت تکاملی انقلاب است. به این معنی که در مسیر رسیدن به اهداف غایی، توقف معنا ندارد و وضع کنونی می‌بایست از وضع پیشین بهتر و متکامل‌تر گردد. انقلاب همزمان با حفظ اصول و مبانی لایتغیر خود، به سوی حیات طویه گام برداشته و استکمال می‌یابد. در نگاه ایشان، بی‌نظمی منطق و ماهیت انقلاب نیست، بلکه انقلاب اسلامی پس از عبور از وضعیت گذشته در قالب ایجاد ساختارهای مبتنی بر اندیشه، عقلانیت و روحیه انقلابی، آرمان‌ها و اصول خود را حفظ کرده و تا رسیدن به حیات طویه به آن توسعه و تعمیق می‌بخشد. از این رو نظام انقلابی، یک نظام و سیستمی است که انقلابی‌گری را مساوی با هرج و مرج و آنارشی ندانسته و هرگونه تغییر در چهارچوب نظام را با توجه به قواعد و قوانین، موجه می‌داند. همچنین انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند.

کتابنامه

۱. آشوری، داریوش (۱۳۸۷) دانشنامه سیاسی، تهران: نشر مروارید.
۲. بریتون، کرین (۱۳۶۱) کالبد شکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نو.
۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۶) گفتمان انقلابی گری، تهران: انتشارات حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۴. خامنه ای، سیدعلی، مجموعه بیانات مقام معظم رهبری، www.khamenehei.ir.
۵. رامز، امید، نظام انقلابی در گام دوم، وطن امروز، ۱۳۹۷/۱۱/۲۷.
۶. ردادی، محسن، نسبت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، ۹۶/۶/۱۲؛ www.stnews.ir.
۷. زائری، قاسم، نسبت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی چهار روایت، ۹۲/۹/۲۲؛ www.namehnews.ir.
۸. سریع القلم، محمود (۱۳۸۰)، جهانی شدن و حاکمیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد، ش ۳۶.
۹. سیاهپوش، امیر و مصطفی ملکوتیان (۱۳۹۶)، چیستی انقلاب از منظر آیت الله خامنه ای، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۴۹.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق) المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۹) نه‌ایه الحکمه، قم: دارالعلم،

۱۲. فیرحی، داوود (۱۳۹۶/۱۱/۲۸)، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، منتشر شده در کانال تلگرامی.
۱۳. فیرحی، داوود، ۱۱ گسلی که کانون ناآرامی ها می شوند، www.lon.ir
۱۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۵۶.
۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸)، آموزش فلسفه، ج ۲، تهران: نشر بین الملل،
۱۶. مظاهری، ابوذر (۱۳۹۷) تاملی در آینده ممکن، محتمل و مطلوب انقلاب، ماهنامه معارف، شماره ۱۱۵، شهرپور
۱۷. ملکشاهی، حسن (۱۳۸۸)، حرکت و استیفای اقسام آن، تهران: سروش،
۱۸. محمدی الموتی، مصطفی قربانی (۱۳۹۹) نظام انقلابی در تئوری و عمل (درآمدی بر نظریه نظام انقلابی مندرج در بیانیه گام دوم انقلاب)، قم: مصباح اندیشه
۱۹. محمدی، منوچهر (۱۳۸۲)، بررسی نظریات انقلاب در انقلاب اسلامی و رابطه آن بانظام جمهوری اسلامی ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۱، پاییز.
۲۰. معاونت سیاسی سپاه (۱۳۹۷)، شرحی بر بیانیه گام دوم انقلاب، تهران: مرکز چاپ سپاه،
۲۱. منصوری، اردشیر، تاملاتی در چهل سالگی یک انقلاب، منتشر شده در کانال تلگرامی
۲۲. موسوی، سیدتقی (۱۳۹۷)، تربیت انقلابی، چیستی و چرایی و چگونگی، قم: پژوهشگاه امام صادق (ع)،